



- در سال ۱۳۹۰ طرحی ضربتی برای جمع‌آوری معنادن خیابانی اجرا شد. در مدت ۴۰ روز سه‌هزار ۰۰ نفر دستگیر شده و برای بازپرسی و درمان به مدت سه‌ماه به سازمان‌های مردم‌نهاد سپرده شدند. بیش از ۲۵ سازمان مردم‌نهاد، همزمان در این برنامه همکاری داشتند.

هر روز تعدادی از افراد دستگیرشده به ما تحویل داده می‌شدند که پس از بررسی وضعیت اولیه بهداشتی و ارایه خدمات بهداشتی-موردنیان، آنها را در گروه‌های ۲۰ الی ۳۵نفر به مراکز اقامتی می‌فرستادیم.

در مراکز اقامتی با این گروه نیز همانند سایر معنادانی که به‌صورت خودمعرف پذیرش شده بودند رفتار می‌شد یعنی در کتا ساینرین اقامت می‌کردند و در شرایط یکسان دوره اقامت سه‌ماهه خود را می‌گذراندند.

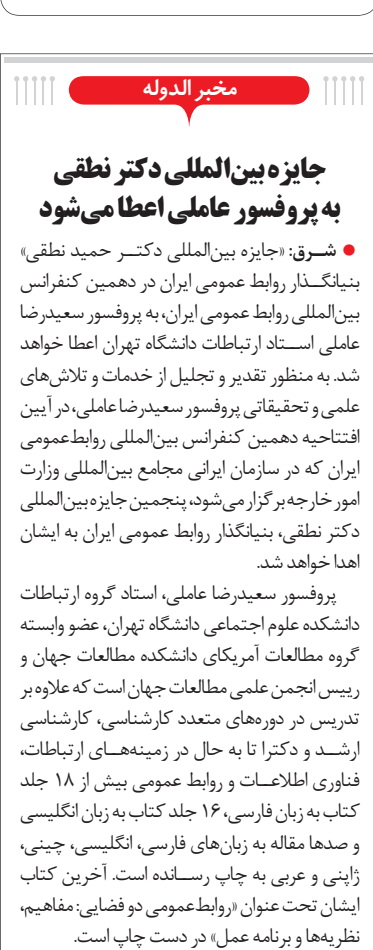
در طول دوره اقامت این افراد در مراکز، خانواده‌های سایر معنادانی که در مراکز اقامت داشتندد برنامه‌های حمایتی از اِین افراد را تداکِر دیدند و یک اجتماع جدید مبتنی بر مسوَلات شکل گرفت. بسیاری از این خانواده‌ها، معنادان اِرجاع‌شده به این مراکز را مانند فرزندان خود دانسته و جهت حمایت از این افراد برای پیداکردن خانواده‌های آنان و ایجاد پیوند دوباره بین آنها تلاش می‌کردند. در این مدت شاهد صحنه‌های زیبایی از بازگشت این افراد به آغوش خانواده‌هایشان بودم. روح همدلی و احساس همتایی در میان معنادان و خانواده آنها نیرویی عظیم و قوی را برای درمان اِین افراد به وجود آورده بود.

در مدت سه‌ماه اقامت در این مراکز که تعداد زیادی از آنها دیوار و برج و بارویی نداشتند، بازرسان ستاد مبارزه با موادمخدر، شورای هماهنگی استان تهران و مقامات قضایی از نحوه خدمات‌رسانی به این گروه بازرسی به عمل آوردند.

در بازدیدهای سرزده‌ای که وزیر کشور و دبیر کل ستاد مبارزه با موادمخدر از مراکز به عمل آوردند مشاهده کردند که از سه‌هزار ۰۰۶معناد دستگیرشده بیش از دوهزار ۰۰۵نفر به‌صورت داوطلبانه در مراکز اقامت داشتند.

در یکی از اِین بازدیدها وزیر کشور وقت، آقای نجار ضمن اِبراز خرسندی از وضعیت موجود در کانون توسکا فعالیت‌های جمعیت خیریه تولد دوباره در عرصه درمان اعتیاد را در کشور ستود و خطاب به آقای طه طاهری، دبیر کل وقت ستاد مبارزه با موادمخدر گفت من کانون‌هایی مانند این کانون، که توسط معنادان بهبودیافته اداره می‌شوند را به دیگر مراکز بازپرسی ترجیح می‌دهم و باید سعی کنیم مراکزی مانند این مرکز را افزایش دهیم. در این طرح هزینه پرداختی به سازمان‌های مردنهاد به ازای هر نفر صد‌هزار تومان در ماه بود که حتی هزینه موادغذایی آنان را نیز پوشش نمی‌داد، اما چیزی که در آن دوران سم‌هاه بسیار مشهود بود، احساسات و تلاش‌های کارکنان این مراکز برای کمک به سایر معتان بود که از روح جاری در اِین سمن‌ها نشأت می‌گرفت.

تعدادی از افرادی که در آن دوران دور مسیر بهبودی شدند در حال حاضر همچنان در مراکز اقامتی حضور دارند و مشغول به کار هستند، برخی به جامعه برگشته و زندگی جدیدی را آغاز کرده‌اند، و باطمینان می‌توان گفت تعدادی از آن افراد نیز دوباره به چرخه اعتیاد بازگشته‌اند. اما آنچه که می‌توان از آن دوره کوتاه درس گرفت و به آن پرداخت موضوع اعتماد به سازمان‌های مردنهاد و رعایت حقوق قانونی معتادان است. معنادان متجاهی که با رعایت حقوق قانونی آنها و احترام بدون استفاده از پلیس و برج و بارو در مراکز اقامت گزینند و در طول درمان نیز با مدیران مراکز همراهی کردند کافی است که اعتماد کنیم و از فرایید این اعتماد بهره‌مند شویم.



- شرق:** «جازیه بین المللی دکتر حمید نطقی» بنیانگذار روابط عمومی ایران در دهمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران، به پروفیسور سعیدرضا عاملی استاد ارتباطات دانشگاه تهران اعطا خواهد شد. به منظور تقدیر و تجلیل از خدمات و تلاش‌های علمی و تحقیقاتی پروفیسور سعیدرضا عاملی، در آیین افتتاحیه دهمین کنفرانس بین‌المللی روابطعمومی ایران که در سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی وزارت امورخارجه برگزار می‌شود، پنجمین جازیه‌بین‌المللی دکتر نطقی، بنیانگذار روابط عمومی ایران به ایشان اهدا خواهد شد.

پروفیسور سعیدرضا عاملی، استاد گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، عضو وابسته گروه مطالعات آمریکای دانشکده مطالعات جهان و رئیس انجمن علمی مطالعات جهان است که علاوه بر تدریس در دوره‌های متعدد کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تا به حال در زمینه‌های ارتباطات، فناوری اطلاعات و روابط عمومی بیش از ۱۸ جلد کتاب به زبان فارسی، ۱۶ جلد کتاب به زبان انگلیسی و صدها مقاله به زبان‌های فارسی، انگلیسی، چینی، ژاپنی و عربی به چاپ رس‌انده است. آخرین کتاب ایشان تحت عنوان «روابط‌عمومی دوفضایی: مفاهیم، نظریه‌ها و برنامه عمل» در دست چاپ است.

بخاری‌ها سه‌روزی است که خاموش شده؛ گازوییل ندارند. قبل از آن هم تنها شش‌ها روشن می‌شدند، راهرو عریض و طولیل است. ۱۴تایق بزرگ ۶۰، ۷۰متری دوسوی راهرو قرار گرفته‌اند. هر اتاق ۳تخت دوطبقه دارد. روی هر تخت، مددجو از زور سرما زیر پتو چمباتمه زده است. مددجویان همه‌شان یک شکلند، سرهای تراشیده، چشم‌های بی‌رق، لباس‌های چروک، مندرس آبی‌رنگ و با گونه‌هایی گودافتاده خبری از وسیله گرمایشی در اتاق‌ها نیست تنها سمبختاری بزرگ در راهرو قرار دارند که خاموش‌ند. کف سیمانی اتاق‌ها سرد است، نور آفتاب به زحمت سعی می‌کند از بالای پنجره‌های کوتاه دیوارهای بلند به داخل اتاق راه پیدا کند. وارد که می‌شوی هوا تو را پس می‌زند. هوا پر از بوی عجیبی است که مشام را پر می‌کند چنانکه به محض ورود وادارت می‌کند چندانگی به عقب برداری می‌پرسم بوی چیست و کسی جوابی برایش ندارد. اینجا کمب اجباری درمان اعتیاد «شفق» است. یکسال‌نیم پس از اتفاقات هولناک رخ داده در «شفق» در زمان اجلاس سران، برای پاکسازی خیابان‌های پایتخت از معنادان و جمع‌آوری و نگهداری آنها به‌صورت غیرانسانی، درهای شفق به رویمان باز می‌شود. تاکنون تنها روایت‌هایش را شنیده‌ایم، روایت‌های کتک‌خوردن با لوله سبز، اسهال خونی منجر به مرگ، حمام با آب سرد، سرما و گرما، نبود آب آشامیدنی. حالا می‌رویم تا از نزدیک اوضاع شفق را ببینیم. بعد از گزارش «شرق» از کمپ درمان اجباری معنادان «شفق» به دعوت احمد ربیع‌زاده، دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان به «شفق» می‌رویم. او می‌گوید: «موضوعات مطرح‌شده در گزارش مربوط به یکسال پیش است و از آبان‌ماه تا اسفندماه سال گذشته شفق تعطیل شده است و با تخصیص ۱۸۰میلیون تومان بهساری شده و تمامی کادر و مدیریت تغییر کرده‌اند.» که‌ریزک؟ «خیابان پنجم. پدیدارشدن تابلو مرکز اقامتی و بهبودی «شفق» حکایت از رسیدنمان دارد. دیوارهای بلند با سیم‌خاردار اتاق را احاطه کرده‌اند. یاد صحبت‌های یکی از مدیران کمپ‌های اختیاری درمان اعتیاد می‌افتم که می‌گفت: کمپ‌های ما بی دیوار و حصار است و درمان اعتیاد باید اختیاری باشد. ماموری با یکسهای پر از میوه وارد می‌شود و من متعجب

به میوه‌ها نگاه می‌کنم، «شفق» و میوه‌ا یکی از خدمتگزاران می‌گوید گارد حفاظتی برای خودشان خرید می‌کنند. ربیع‌زاده می‌گوید: الان «شفق» مرکز غربالگری است و معنادانی که حکم قاضی دارند اینجا می‌مانند و سایرین بعد از سپری کردن دوره‌ای ۲۰روزه به «اکمرد» و «جاجرد» می‌روند. قبول دارد که سه روز مجوز ندارد و نسبت به عملکرد وزارت بهداشت و به‌زیربستی انتقاد دارد. می‌گوید: «اینجا خبری از ضرب‌و‌شتم نیست» با کادر مرکز از جمله سرهنگ. مدیر مرکز، گنجعلیان، مددکار بهزیستی مستقر، نیروهای انتظامی در اتاق سرپرستی همه‌صحبت می‌شویم. دل پری از گزارش «شرق» دارند و ربیع‌زاده در انتهای صحبت‌هایش می‌گوید: «درست است که طبق قانون، معنادان بیمارند اما اینها معنادان ته‌نظر رسید‌اند و چندان فرقی با مجرم ندارند.» بهیار مرکز که از سال پیش اینجا مستقر شده است وارد می‌شود. پسر جوان سبزپرو است. یکی از مسوولان می‌گوید: این بهیار ماست. دایم اینجا‌ست. این همان است که می‌گویند گفته برقصید شربت بگیرید.

می‌پرسم شماید؟

(خنده حضار) نه او نیست و جز و کادر جدید است. بهیاری هم تجهیز شده است. دو تخت چند قفسه‌ه دارد، دو پزشک صبح‌ها می‌ایند برای ویزیت و بهیار هم همیشه هست.

می‌پرسم تحصیلات شما چیست؟

من بهیار ارتش هستم.

خب تحصیلاتان چیست؟

دبلمن تجربی اما دوره بهیاری را گذران‌دم.

از مددکار سال‌هاست اینجا‌ست. می‌پرسم صحت دارد

مددجویان می‌گفتند باید برقصید تا شربت بگیرید؟

می‌گویند: نمی‌دانم. اما اینکه شربت سرماخوردگی را در بطری نوشابه می‌ریخت جرعه جرعه به مددجویان می‌داد صحت دارد. یکی از معنادانی که قبلاً با او درباره شفق گفته کرده بودم گفته بود که بهیار شربت سرماخوردگی را در بطری نوشابه ریخته بود و به مددجویانی که سرما خورده بودند می‌گفت باید برایم برقصید تا به شما دارو بدهم. وارد می‌شوی دم در ماموران انتظامات کمپ ایستاده‌اند از مددجویان همین جا هستند که اعتیاد داشته‌اند.

سرهنگ می‌پرسد: چند سال است پایی؟

– سه سال می‌گویند؛ از جنس خودشان‌اند.

می‌پرسم: شما مامور‌های اینجا هستی؟

– بله.

از کتک هم می‌زنید؟

– خدا نکته. با وجود گذشتن سه سال از پایی ماموران چهره‌های تکیده‌ای دارند. اولین اتاق راهرو آسانبشگاه خدمتگزار‌ها است. اتاقی است ۶۰ متری، کشش با موکت و تکه‌ای فرش پوشانده شده، تکه‌ای پارچه نقش پرده را ایفا می‌کند و تلویزیون ۱۴اینچ کوچی بر روی چهارپایه قرار گرفته است. مسوولان با جدیت سرویس‌های بهداشتی را نشام می‌دهند. ۱۵ سرویس بهداشتی که چ‌رم گرفته‌اند و چندان تمیز نیستند اما مایع دستشویی دارند و خبری هم از آب گرم در سرویس‌ها نیست. ۵تایی هم حمام دارند با آب گرم و یک شامپو تخم‌مرغی که اندکی مایع نه آن مانده است. ۲۰نفر از مددجویان کف راهرو به‌صورت کلاخیز نشسته‌اند. منتظر هستند که پنج نفر پنج نفر به حمام بروند.

می‌پرسم: نوبت حمامتان چطور است؟

نگاهی به مسوولان می‌ان‌دازد و می‌گوید دو روزی یکبار.

چقدر وقت حمام دارید؟

۱۰ دقیقه.

نوبت دستشویی چطور است؟

خوب است.

یعنی ه‌وقت بخواهید می‌توانید بروید دستشویی؟

بله.



گزارش میدانی «شرق» از کمپ درمان اعتیاد اجباری

زخم «شفق» چشم به راه ترمیم

فاطمه جمال‌پور

سرهنگ می‌گویند: هر سوال می‌خواهید بپرسید، دوتا اتاق ۶۰متری با کف سیمانی و تعدادی پتو شاید ۲۰تا گوشه اتاق، برای روزهای ترک فیزیکی معنادان هستند که درشان فعلاً قفل است. دوتا از اتاق‌های تخت‌دار هم خالی هستند

می‌گویم اینجا خیلی سرد نیست؟

ربیع‌زاده رو به سرهنگ می‌گوید: چرا بخاری‌ها را روشن نکردید روشن کنید سرد است. سرهنگ می‌گوید: شش‌ها روشن می‌کنیم اگر خیلی گرم شود شش‌ی می‌گذارد. خیاطی، سلمانی و تکیاتخانه دو اتاق تو در تو میانه‌های سالن هستند. سلمانی یک آینه دارد، دو صندلی و دو ماشین اصلاح و اتاق دیگری یک چرخ خیاطی دارد و گوشه‌اش هم کتنبخانه کوچک با چندتایی کتاب مذهبی قرار گرفته است. تمام امکانات تفریحی آسانبشگاه شفق همین‌ها هستند.

می‌پرسم: الان ظرفیت هر اتاق چقدر است؟

بزرگ و کوچک دارد.

به دو اتاق تخت‌دار خالی اشاره می‌کنم و می‌پرسم: این اتاق‌ها چرا خالی است؟

چون ظرفیت را کم کردیم ۴۰۰ نفر شده است. اتاق موتورخانه و لباسشویی را نشام می‌دهند و می‌گویند: این هم لباس‌ها که مرتب شسته می‌شود تا هر‌بار که حمام می‌روند لباس‌هایشان را عوض کنند. خدمتگزار‌ها با کاپشن و لباس بافت می‌چرخند. اما مددجویان تنها همان پیراهن و شلوار نخ‌ی رادر این هوای سرد به تن دارند. وسط هر اتاق یک ظرف آب شیرین است. بی‌لبیل نیست که اسم اینجا شورآباد بوده است. اینجا لوله‌کشی آب شیرین ندارد.

می‌پرسم ظرف آب‌ها چند وقت یکبار پر می‌شود؟

هرروز پر می‌شود. ما روزی ۶۰ هزار تومان آب شیرین می‌خریم.

خودشان می‌توانند منبع‌هایشان را پر کنند؟

نه خدمات پر می‌کند. یکی از خدمتگزار‌ها می‌گوید در شبانه‌روزی سه نوبت. ظرف آب وسط اتاق قرار گرفته است، با یک لیوان برای تمام اهالی اتاق. وارد قسمت آشپزخانه می‌شویم. سه دیگ بزرگ در حال پخت لوبیا هستند. شام آشپب خوراک

لوبیاست و چند نفر از مددجویان که پاک شده‌اند مسوول آشپزخانه‌اند.

می‌پرسم: به هر نفر چقدر لوبیا می‌دهید؟

۷۰ گرم لوبیا با دوتا نان لواش. شیر آشپزخانه را باز می‌کنم. آب آشپزخانه هم مثل سرویس‌های بهداشتی سرد است. سرهنگ می‌گوید: آب گرم می‌کنند استفاده می‌کنند. صبح‌ها‌ها مربا، پنیر و کره است به تناسب.

پنیر چقدر می‌دهید؟

هر نفر ۲۵ گرم.

۲۵ گرم یعنی یک سوم قوطی کبریت ربیع‌زاده می‌گوید: ببینید لیوان‌ها هم یکبار مصرف است.

انبار را هم نشام می‌دهند. موجودی انبار خلاصه می‌شود در ۰۱، ۰۲تایی بسته دستمال کاغذی که اصلاً در اتاق‌ها دیده نمی‌شود. ۰۳۰، ۴۰تایی شامپو تخم‌مرغی، ۱۰ تایی بسته صابون گل‌زار، چند گالن مایع دستشویی و… بیرون سالن اصلی سالن پذیرش و فیزیک و سبزپایی قرار دارد. دو اتاق بزرگ بدون بخاری و وسیله گرمایشی. – اینجا گندزدایی می‌شوند، شش‌هایشان رفغ می‌شود و بعد می‌روند داخل سالن پذیرش حمام ندارد. یک دوش خراب دارد و پنج تا دستشویی، ربیع‌زاده می‌گوید: پنج تا دستشویی برای دو ساعت کم است تا ثابت پرونده نشوند؟ تازه الان که هوا سرد شده مستقیماً به سالن می‌پریم.

وقتی پلیس ۲۰۰۰نفر را می‌آورد چه کار می‌کنید؟

اول ثبت مشخصات و کیت آزمایش، تا نوع اعتیاد مشخص شود. سپس غربال می‌شوند معنادها و کاری‌ها جدا می‌شوند.

کاری‌ها را ر‌اه‌های‌می‌کنید؟

«بله قانون است» ورودی سالن سبزپایی یک اتاق کوچک افرادی است که سه نفر مددجویان در آن قرار دارند و در آن قفل است. این دو سالن حتی همان بخاری‌های خاموش را هم ندارند. سالن س‌ده‌پایی سه تا دستشویی و یک دوش خراب دارد. دستشویی‌ها گرفته‌اند. اینجا دیگر نگه نمی‌داریم فقط گندزدایی می‌شوند و می‌روند اتاق پذیرش.

اینجا که دوش ندارد چطور گندزدایی می‌شوند؟

لباس‌ها را در می‌آوریم. امانتی‌شان را می‌گیریم. بعد می‌روند آن سالن اصلاح می‌شوند، حمام می‌کنند و لباس می‌پوشند. ثبت مشخصات می‌شوند. می‌روند سالن اصلی. دوره کوتاه سپری می‌شود و می‌روند کمرد.

از یکی از پسر‌ها می‌پرسم شما چند روز است اینجا هستی؟

۲۰ روز.

همه‌اش اینجا بودی؟

نه، ۱۰ روز است که اینجا هستم.

چرا؟

کار اشتباهی کردم.

چ‌کار کرده‌ای؟

کار اشتباه.

چه کار کرده‌اید؟

رو به مددکار می‌گویند آقای گنجعلی بگویم. می‌گویند: به اندازه دوه‌زار تومان مواد خریدم آوردم دو سالن از من گرفتند. دوفر دیگر اما نمی‌گویند چرا اینجا هستند. سرهنگ می‌گوید: پیش از این اینجا بنگه می‌داشتند. الان اما بلافاصله وارد سالن اصلی می‌کنیم.

می‌انگین، چند روز شفق می‌ماند برای غربالگری؟

سه تا ۱۰ روز.

آنها‌یی که دایماً اینجا هستند چطور؟

آنها ۱۰۰نفر هستند در دو سوله مجزا. آن‌ها بحث خاص قضایی دارند.

ادامه در صفحه ۱۵



مخالفت شهر دار تهران
و وزیر کشور با طرح انتقال پایتخت
• شرق: این روز‌ها همزمان با اوج‌گرفتن دوباره آلودگی هوای تهران و تصویب طرح انتقال پایتخت در مجلس شورای اسلامی، مسوولان کشور در حال واکنش‌نشان‌دادن به این موضوع هستند. در همین رابطه «رحمانی‌فضلی» وزیر کشور در حاشیه دیدارش با شهرداران کلانشهر‌ها، اظهار کرد: متولی آلودگی هوا، سازمان محیط‌زیست است و هر عهده وزارت کشور نیست ما تنها می‌توانیم به عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده کمک کنیم تا دستگاه‌های متولی از جمله شهرداری‌ها در این حوزه اقدامات موثری انجام دهند. رحمانی‌فضلی، درباره انتقال پایتخت به خیرنگران گفت: این مسأله فعلاً در مجلس مطرح شده و قرار است یک گروه مطالعاتی موضوع انتقال را بررسی کنند و نتیجه این مطالعات مبنای کار قرار می‌گیرد. دولت به‌دلیل بار مالی، مخالف این انتقال است چراکه طرح‌ها نمی‌توانند بار مالی را متوجه دولت کنند. اصل موضوع در دولت مطرح است و قرار است وزارت شهرسازی و معماری متولی این کار شود و با همکاری مجلس و کمیته مطالعاتی نسبت به این موضوع تصمیم‌گیری شود. علاوه بر وزیر کشور، روز گذشته شهردار تهران نیز گفت: این موضوع طی روزهای گذشته در صحنه علنی مجلس نیز مطرح شده که نمایندگان بحث جابه‌جایی مرکز سیاسی کشور را از تهران به یکی از شهرهای دیگر مطرح کنند که البته این موضوع یکبار نیز در دهه ۷۰ مطرح شد و حتی مکان‌یابی صورت پذیرفت اما هیچ‌گاه عملیاتی نشد چراکه این تصمیم نیازمند به چندصدهزارمیلیارد تومان اعتبار است. شهردار تهران تصریح کرد: بنده نه به‌عنوان شهردار پایتخت بلکه به‌عنوان یک کارشناس در حوزه مدیریت شهری اذعان می‌کنم که با تغییر رویکرد می‌توانیم مشکلات را برطرف کنیم.



• ایلتنا: به وضعیت پزشکی همه مشمولان قبل از اعزام به خدمت، رسیدگی و چنانچه بیمار تشخیص داده شوند، وضعیت آنان در شورای پزشکی بررسی می‌شود. اداره اجتماعی سازمان وظیفه عمومی ناجا، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: از جمله شرایط لحاظ‌شده در قانون خدمت وظیفه عمومی، توجه به وضعیت سلامت جسمی و روحی افرادی است که باید به خدمت اعزام شوند که بر این اساس، وضعیت پزشکی تمامی مشمولان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد تا چنانچه در وضعیت سلامتی کامل قرار نداشته باشند متناصب با بیماری، به خدمت گرفته شده یا از انجام خدمت دوره ضرورت معاف شوند. این اطلاعیه در مورد دسته‌بندی مشمولان از نظر سلامت می‌افزاید، برخی اشخاص دارای بیماری شدید یا نقص عضو هستند که در صورت اعزام به خدمت مشکلاتی برای آنان یا یگان‌های خدمتی به وجود می‌آید بنابراین از خدمت دوره ضرورت معاف می‌شوند، عده‌ای دیگر دارای بیماری هستند که بیماری آنان در حد معافیت دائم نبوده و به این اشخاص معافیت موقت برای ادامه درمان داده می‌شود. همچنین دسته سوم مشمولانی هستند که دارای بیماری خفیف بوده و مانعی برای اعزام به‌خدمت ندارند اما هنگام حضور در مراکز نظامی باید در امور غیررزمی به‌کارگیری شوند که در نتیجه در شمول معافیت از خدمات رزمی قرار می‌گیرند و دسته آخر نیز مشمولانی هستند که دارای سلامت کامل جسمی و روحی است که به خدمت اعزام خواهند شد. مرجع انطباق بیماری مشمول، با آیین‌نامه پزشکی و درنهایت قراردادن وی در هریک از گروه‌های مذکور، شورای پزشکی وظیفه عمومی است.



• فارسی: مدیر کل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، گفت: با وجود تأکید قانون برنامه پنجم توسعه بر ممنوعیت تبلیغ کالاهای مضر سلامت، همچنان شاهدیم رسانه ملی چیپس و پفک را تبلیغ می‌کند. زهرا عبدللهی خاترنشان کرد: اطلاعات و شواهد موجود نشان می‌دهد حدود ۳۹درصد سمران و ۴۹درصد زنان ۱۵ تا ۶۴سال ایرانی دچار اضافه وزن و چاقی هستند که در بعضی از گروه‌های سنی ۴۵ تا ۶۵سال این رقم بین زنان ۷۰درصد و در سمران ۵۷درصد است. عبدللهی با انتقاد از پخش تبلیغات موادغذایی مضر سلامت، مانند انواع چیپس و پفک و نوشابه از برخی رسانه‌ها، خاطرنشان کرد: بر اساس ماده ۳۷ قانون برنامه پنجم توسعه تبلیغات برخی محصولات تهدیدکننده سلامت، محدود شده و برای رسانه‌ای که این محصولات غالبی را تبلیغ کند یک تا صد میلیون تومان جریمه در نظر گرفته شده است.



• ایسنا: معاون اجتماعی ناجا گفت: امروزه پیشگیری اجتماعی رویکردی راجع بر اقدامات انتظامی در جای‌جای نیروی انتظامی یافته است. سردار سعید منتظرالمهدی بیان کرد: امروزه برای انجام مطلوب وظایف و ماموریت‌های ناجا و از طرفی کاهش هزینه‌های انتظامی، پیشگیری اجتماعی مقدم بر اقدامات انتظامی است. وی پیش‌بینی و پیش‌دستی را لازمه پیشگیری خواند و ادامه داد: امروزه معاونت اجتماعی با رصد آنی از فضای جامعه، فضای مجازی، انجام برآوردهای اجتماعی، اخذ نظریات متخصصان و معتمدان اجتماعی و پیمایش‌هایی که در سطوح مختلف انجام می‌دهد توانسته نقش اثرگذاری بر اقدامات و تصمیم‌سازی‌های فرماندهان داشته باشد.